

جامعه‌شناسی کمک‌رسانی بعد از وقوع فاجعه؛
مطالعه‌ای درباب روستاهای شهرستان بوم بعد از زلزله سال ۱۳۸۲

غلامرضا صدیق اورعی^۱، احمدرضا اصغرپور ماسوله^۲

(تاریخ دریافت ۹۸/۰۳/۱۵، تاریخ پذیرش ۹۹/۱۲/۱۵)

چکیده

در مقاله حاضر، با استفاده از داده‌هایی که از روستاهای زلزله‌زده بوم بعد از وقوع زلزله سال ۱۳۸۲ جمع‌آوری شده است، یکی از مهم‌ترین انگاره‌های جامعه‌شناختی در زمینه فجایع طبیعی بررسی شده است. زلزله یا هر فاجعه طبیعی دیگر به بخش یا لایه‌ای از جامعه آسیب می‌زند که لایه ریخت‌شناختی (مورفولوژی) نامیده می‌شود و طی آن احتمال دارد که جامعه بخشی از اعضای خود را از دست بدهد. این لایه شامل امکانات و ویژگی‌های فیزیکی جامعه است. میزان آسیب‌دیدگی اعضای جامعه، تابعی از شدت حادثه و نیز استحکام فیزیکی و آمادگی دفاعی آن است. ازدست‌دادن برخی از اعضا برای جامعه دو پیامد مهم دارد: اول، آسیب‌دیدن شبکه‌های روابط اجتماعی، و دوم، فعال‌شدن اعضای شبکه‌های اجتماعی برای جبران آسیب‌دیدگی. بعد از وقوع حادثه و آسیب‌دیدگی بخشی از جامعه، لایه‌های دیگر فعال می‌شوند و تلاش می‌کنند آسیب را حتی‌الامکان کاهش دهند و به‌سوی بهبودی بروند. ویژگی مهم شبکه‌های اجتماعی آن است که عموماً به گره‌های خاصی متکی نیستند و از بین رفتن گره‌های محدود به گسست در شبکه نمی‌انجامد، بلکه دیگر اعضای شبکه را به نزدیکی ترغیب می‌کند. البته، این ادعا را دو عامل مهم محدود می‌کنند: اول، تعداد اعضای آسیب‌دیده، و دوم، میزان فشار معیشتی بر بازماندگان. هر دو عامل اگر افزایش یابند ممکن است انسجام اجتماعی را مختل کنند، نظم اجتماعی را بر هم بریزند و اشخاص را به‌سوی فردگرایی سوق دهند. تحلیل‌های انجام‌شده با استفاده از داده‌های کمی دست اول نشان می‌دهد

۱. استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول) Ouraei@um.ac.ir

۲. استادیار جامعه‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد asgharpour@um.ac.ir

که در روستاهای زلزله‌زده بم، شبکه‌های اجتماعی به یاری تقریباً تمام افراد آسیب‌دیده رفته‌اند و گرچه خود بازماندگان هم آسیب دیده بودند، کمک‌رسانی متوقف نشده و این خود عامل مهمی در هضم سریع‌تر پیامدهای ناگوار زلزله بوده است.

واژگان کلیدی: بم، زلزله، جامعه‌شناسی کمک‌رسانی، روستا.

بیان مسئله

فجایع طبیعی رخدادهایی هستند که منشأ آنها محیط زیست است و به زندگی انسان‌ها آسیب جدی وارد می‌کنند، از قبیل زلزله، سیل، فعالیت‌های آتشفشانی، رانش زمین و مانند اینها. البته، نوع دیگری از فجایع منشأ فناورانه دارند و پیامد اشتباهات فنی انسان‌ها هستند؛ مانند اختلال در نیروگاه‌های هسته‌ای، پیامدهای ناگوار داروهای شیمیایی و امثال اینها (فیشر،^۱ ۱۹۹۸). این فجایع به‌خصوص در کشورهای جهان سوم و توسعه‌نیافته زندگی هزاران نفر را تحت تأثیر قرار می‌دهند و در برخی مواقع به کلی جوامعی را نابود می‌کنند. در مجموع، این فجایع برای هر کشوری معضلات اجتماعی و اقتصادی بسیار به بار می‌آورند؛ مانند آنچه در ایالات متحده بعد از طوفان کاترینا (فورگت^۲ و همکاران، ۲۰۰۹)، در هائیتی بعد از زلزله سال ۲۰۱۰ (ولبرینگ،^۳ ۲۰۱۱)، و در ژاپن بعد از زلزله و سونامی سال ۲۰۱۱ (ورویک^۴ و دنیل،^۵ ۲۰۱۱) رخ داد.

شاید یکی از اولین یافته‌های جامعه‌شناسان دربارهٔ فجایع آن باشد که مردم، در چنین موقعیت‌هایی، مانند وضعیت عادی عمل نمی‌کنند (فیشر، ۱۹۹۸). به این دلیل که نظم روزمره و عادی و تکراری بر هم می‌خورد و وضعیت کاملاً جدیدی به وجود می‌آید. در این وضعیت جدید، دست‌کم بخشی از عناصر فرهنگی، مانند هنجارها و ارزش‌های اجتماعی، معنای خود را از دست می‌دهد و دیگر راهنمای عمل افراد نخواهد بود. در چنین اوضاع و احوالی، کنترل بیرونی تا حد زیادی مختل می‌شود و دشواری‌های زیادی پیش روی افراد قرار می‌گیرد.

فجایع طبیعی، از آن‌رو که نظم اجتماعی را به‌طور ویژه و گسترده‌ای بر هم می‌زنند، موقعیت‌هایی استثنایی برای بررسی‌های جامعه‌شناختی فراهم می‌کنند (تیرنی،^۶ ۲۰۰۷). در

۱. Fischer
۲. Forgette
۳. Wolbring
۴. Vervaeck
۵. Daniell
۶. Tierney

فجایع طبیعی، روبروای فیزیکی جامعه بر هم می‌خورد و نابود می‌شود یا آسیب جدی می‌بیند؛ برخی از نقش‌ها و موقعیت‌های تعریف‌شده از بین می‌روند و متناسب با میزان آسیب وارد شده به جامعه، نقش یاری‌دهندگی دارای اهمیت می‌شود. در زمان فاجعه، خرده‌نظام‌هایی که جامعه برای بقای خود دارد به کار می‌افتند تا در کمترین زمان و با بیشترین بازدهی، خسارت را جبران و جامعه را حفظ کنند. در چنین مواقعی، روابط اجتماعی و فرهنگ دستورهایی صادر می‌کنند تا افراد به کمک هم بشتابند، این در حالی است که تضعیف نظارت و کنترل بیرونی موجب شده است برخی افراد دیگر هم‌نوا با فرهنگ عمل نکنند. نوع روابط اجتماعی کنشگران و اهمیت آن در چنین مواقعی روشن می‌شود (برک^۱ و همکاران، ۲۰۰۸).

در جامعه امروز، سازمان‌های رسمی (دولتی یا داوطلبانه) فراوانی وجود دارند که به‌طور تخصصی به کار امداد و نجات و کاهش آسیب‌های ناشی از فجایع می‌پردازند و می‌کوشند با پیش‌بینی آنچه در پی یک فاجعه طبیعی رخ خواهد داد، همه‌چیز را برای کاهش آسیب‌ها آماده نگاه دارند (برش، ۲۰۱۰^۲؛ جاب، ۲۰۱۱^۳). فناوری‌های جدید ابزارهای بسیار مفیدی را در اختیار این دسته قرار داده‌اند تا میزان آسیب‌ها را کاهش دهند. این سازمان‌ها عموماً بعد از وقوع فجایع در محل حضور می‌یابند. دیگر کشورها نیز با اعزام گروه‌های نجات خود به کشور آسیب‌دیده هم‌دردی نشان می‌دهند و یاری می‌رسانند.

باین حال، هنوز می‌توان با اطمینان از اهمیت یاری‌رسانی غیررسمی اعضای شبکه‌های اجتماعی سخن گفت و تأکید کرد که انسجام اجتماعی در درون جامعه آسیب‌دیده، هر چه بیشتر باشد، هم میزان آسیب‌ها را کاهش می‌دهد و هم تحمل آلام را برای اشخاص آسان‌تر می‌کند. زلزله شهرستان بم در استان کرمان در پنجم دی‌ماه ۱۳۸۲ رخ داد و پیامد آن حدود سی‌هزار کشته و بیش از پنجاه‌هزار زخمی و ده‌ها هزار بی‌خانمان بود. بعد از وقوع این فاجعه طبیعی، بازماندگان دچار کم‌بودها و دشواری‌های روانی و اجتماعی فراوانی شدند (بیان‌زاده و همکاران، ۱۳۸۳؛ رحیمی‌موقر و همکاران، ۱۳۸۲؛ صیرفی‌ان‌پور و همکاران، ۱۳۸۳؛ کرمی و همکاران، ۱۳۸۶). در مقاله‌های پژوهشی که تاکنون منتشر شده است کمتر به نقش شبکه‌های اجتماعی و نیز خود بازماندگان در امداد رسانی به یکدیگر پرداخته شده است. در این مقاله، با استفاده از داده‌های دست‌اولی که مؤلفان به فاصله کوتاهی بعد از وقوع زلزله جمع‌آوری و تحلیل کرده‌اند، به نقش ساخت فرهنگی-اجتماعی جامعه آسیب‌دیده در برخورد با فاجعه پرداخته می‌شود تا روشن شود که چگونه شبکه‌های روابط گرم اولین عنصر مقابله با فاجعه بوده‌اند.

۱. Berke

۲. Bersch

۳. Jobe

پژوهش حاضر فاجعه را در روستاهای زلزله‌زده بم بررسی می‌کند و به دنبال پاسخگویی به پرسش‌های ذیل است:

- کمک‌رسانی توسط بازماندگان چگونه رخ داده است؟
- فرهنگ تا چه میزان از کمک‌رسانی بازماندگان حمایت کرده است؟

دیدگاه نظری

جامعه به مثابه ترکیبی از لایه‌های مکمل

اصلی‌ترین گزاره نظری این مقاله آن است که نابودی ساخت ریخت‌شناختی (مورفولوژیک) جامعه لزوماً به نابودی جامعه منجر نمی‌شود، بلکه دیگر سطوح جامعه در چنین مواقعی به کار می‌افتند تا ساخت ریخت‌شناختی را بازسازی کنند. واقعیت جامعه در لایه‌های ریخت‌شناختی، اجتماعی، و فرهنگی به‌طور هم‌زمان و به‌هم‌پیوسته وجود دارد (مندراس، ۱۳۶۹)؛ به این معنی که برای بررسی جامعه می‌توان و باید به لایه‌های متفاوت آن مراجعه کرد. حیات جامعه به‌طور هم‌زمان به تمام این لایه‌ها وابسته است و هر کدام از اینها کارکردی برای ادامه حیات جامعه دارند. این دیدگاه به تمایز کارکردی پارسونز میان خرده‌نظام‌های جامعه نزدیک است، اما، پیش از آن، از تعریف دورکیم از جامعه تأثیر می‌پذیرد. دورکیم جامعه را واقعیتی می‌داند که با اجزای سازنده‌اش متفاوت است و ماهیتی متفاوت با تک‌تک عناصر سازنده خود دارد. از دیدگاه دورکیم، به همین دلیل است که با ابزار روان‌شناختی نمی‌توان به بررسی جامعه پرداخت و علمی دیگر به نام جامعه‌شناسی برای بررسی آن لازم است (دورکیم، ۱۹۸۲). به این ترتیب، جامعه پدیده‌ای انتزاعی است که به‌طور مستقیم مشاهده‌پذیر نیست، بلکه هر جامعه‌ای با توجه به نشانه‌ها و آنچه مربوط به آن است شناخته می‌شود. هر جامعه را می‌توان از مکانی که اعضا در آن زندگی می‌کنند (به‌لحاظ ریخت‌شناختی)، کنش‌هایی که اعضای آن انجام می‌دهند (هنجارها)، شناختی که اعضای آن از جهان دارند (باورها)، و موضوعاتی که اعضای آن دوست می‌دارند (ارزش‌ها) و مانند اینها شناخت. تمام این ویژگی‌ها در معرض خطرهای احتمالی بیرونی و درونی هستند. تغییر در هر کدام از این عناصر بر اثر عوامل گوناگون اجتناب‌ناپذیر است. مکان زندگی افراد جامعه ممکن است در اثر علل محیطی گوناگون تغییر کند؛ تغییر در این لایه به تغییر در هنجارها، باورها و روابط اجتماعی می‌انجامد و حتی ممکن است در موقعیت خاصی به نابودی یک تمدن منجر شود. خشک‌سالی‌های مداوم در طول تاریخ بارها

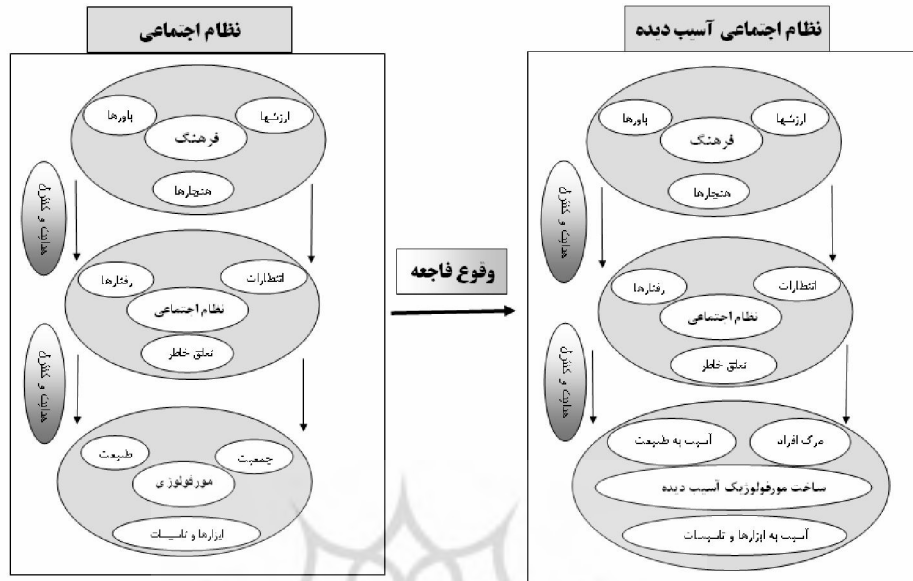
تمدن‌های شهری را نابود و اعضای آن را به جمعیتی صحرائنشین تبدیل کرده است (ر.ک: هاگ^۱ و همکاران، ۲۰۰۳؛ هودل^۲ و همکاران، ۱۹۹۵؛ پترسون^۳ و هاگ، ۲۰۰۵).

تطبیق جامعه با تغییر

هر جامعه سعی می‌کند لایه‌های مختلف خود را با هم هماهنگ کند و در صورت لزوم از دیگر لایه‌ها برای بهبود لایه آسیب‌دیده کمک بگیرد. این امر نوعی راهبرد بقا برای هر جامعه است تا هر تغییری را در خود هضم کند و باقی بماند (توتل^۴، ۲۰۰۷؛ والنسیو^۵، ۲۰۱۰). چنین دیدگاهی از نگاه سیستمی به جامعه نشئت می‌گیرد و شواهد روشنی برای آن وجود دارد. جامعه و لایه‌های مختلف آن همواره به تعادل گرایش دارند. تعادل همیشگی نیست و تغییرات بزرگ ممکن است به نابودی سیستم منجر شود.

همان‌طور که گفته شد، این‌طور که نیست که هر جامعه‌ای بتواند در مقابل هر تغییری در لایه‌های مختلف خود دوام بیاورد. این دوام در مقابل عامل تغییردهنده بیرونی یا درونی، تابعی از میزان و اندازه تغییر و نیز آمادگی جامعه برای هضم تغییر است. برخی اوقات تغییراتی که از بیرون بر جامعه تحمیل می‌شود، برخی از عناصر اساسی جامعه را منهدم می‌کند؛ برای مثال، در جامعه باستانی خشک‌سالی‌های پیاپی به از بین رفتن سبک زندگی شهری و برگشت به بادیه‌نشینی می‌انجامد؛ زیرا شدت تغییر بیرونی زیاد است و ابزار جامعه برای مقابله با آن نیز کافی نیست. در مقابل، در جامعه امروز، احتمالاً خشک‌سالی‌های پیاپی به آسانی سبک زندگی افراد را تغییر نمی‌دهند؛ چراکه فناوری به انسان‌ها کمک می‌کند که با تغییرات آب‌وهوایی مقابله کنند. البته، حتی در زمان ما هم این مقابله مطلق نیست. روستاهای فراوانی را سراغ داریم که بر اثر زلزله، کم‌بود آب، یا سیل تخلیه شده‌اند و جامعه محلی نابود شده است. البته، اعضای جامعه لزوماً آسیب ندیده‌اند، اما مهاجرت کامل آنها به دیگر شهرها موجب شده جامعه محلی که قبلاً در آن عضو بوده‌اند نابود شود. شکل ۱ انگاره نظری اصلی این مقاله را نشان می‌دهد و روشن می‌کند که چگونه فرهنگ و اجتماع در هنگام آسیب‌رسیدن به فیزیک جامعه می‌توانند یاری‌رسان باشند.

۱. Haug
۲. Hodell
۳. Peterson
۴. Tootle
۵. Valencio



ابزارهای جامعه برای مقابله با فجایع طبیعی

شکل ۱. مدل مفهومی لایه‌های جامعه عادی و آسیب‌دیده

در اینجا، با توجه به ماهیت فجایع طبیعی و به‌خصوص زلزله، با استفاده از انگاره‌ای که پیشتر مطرح شد، بر ویژگی‌های رابطه‌ای و اجتماعی‌ای تأکید می‌شود که ممکن است پیامدهای ناگوار فجایع طبیعی را کاهش دهد، جامعه را از نابودی نجات دهد و راه را برای ترمیم آسیب‌ها هموار سازد. این واکنش‌ها را می‌توان نوعی مقاومت مدنی در مقابل فاجعه دانست. فرهنگ از این مقاومت حمایت و تلاش می‌کند حیاتی‌ترین وجوه جامعه را از آسیب فاجعه مصون بدارد.

در هنگام فاجعه، روابط اجتماعی عمیق و عاطفی بسیار مؤثرتر از روابط ابزاری و رسمی عمل می‌کنند. از آن جهت که در چنین روابط گرمی (در مقابل روابط سرد)، هدف از برقراری رابطه، خود رابطه است و هدف ملموس دیگری در میان نیست؛ به همین دلیل، اختلال در اوضاع اجتماعی سبب می‌شود که افراد نیاز بیشتری به چنین روابطی داشته باشند (میلر، ۲۰۰۷). این روابط هویت‌سازند و در وضعیت بحرانی برای افراد بسیار مهم می‌شوند. بودن در متن شبکه‌هایی که از چنین روابطی برخوردارند حتی تحمل سخت‌ترین دشواری‌ها را هم امکان‌پذیر

می‌کند، همان‌طور که ازدست‌دادن چنین شبکه‌هایی برای بازماندگان بسیار دشوارتر از تحمل خسارت‌های مادی است.

چنین روابطی مانند بیمه عمل می‌کنند و می‌توانند در موقعیت‌های حساس به کمک آسیب‌دیدگان بیایند. کمک‌رسانی در موقعیت‌های حساس و حیاتی عمق و کیفیت روابط اجتماعی را نشان می‌دهد؛ چراکه در زمان وقوع فجایع طبیعی، افراد خود بسیار نیازمندند و بسیاری از کالاهای ضروری کم‌یاب می‌شوند. در این زمان، به کمک دیگران رفتن عموماً تنها با معنای ایثار تفسیر می‌شود (اوزردم^۱ و جاکوبی^۲، ۲۰۰۶)؛ یعنی گذشتن از نیازهای خود، قبول خطر و شتافتن به کمک دیگری. ایثار و یاری در لحظات اولیه و بسیار حساس فاجعه، یعنی زمانی که هنوز سازمان‌ها و نهادهای رسمی وارد عمل نشده‌اند، بسیار کارساز و حیاتی است. هنجارهای قدرتمند کمک‌رسانی می‌توانند ضامن حفظ نظم و امنیت در زمانی باشند که کنترل مرکزی و بیرونی در جامعه مختل می‌شود. هنجارهای قدرتمند هنجارهایی هستند که به‌خوبی درونی شده‌اند و سرپیچی از آنها به‌لحاظ اجتماعی بسیار ناپسند دانسته می‌شود. در اوضاع غیرطبیعی و بدون نظم بیرونی، فقط هنجارها هستند که می‌توانند نظم را برقرار کنند و مردم را به تحمل سختی‌ها و حمایت از یکدیگر ترغیب کنند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که کمک‌رسانی شبکه‌های اجتماعی در هنگام فجایع بسیار مؤثرتر و سریع‌تر از کمک سازمان‌های رسمی و مسئول است؛ چراکه به‌دلیل ناآشنایی سازمان امدادگر با محیط و جزئیات ساختمان‌ها و ویژگی‌های افراد، به صرف زمان بیشتری برای انجام کارهای مشخص نیاز است (بورن^۳ و همکاران، ۲۰۱۱)؛ درحالی‌که اعضای شبکه اجتماعی، با توجه به اطلاعات گسترده‌ای که از هم دارند، می‌توانند سریع‌تر یکدیگر را بیابند (برنان^۴ و فلینت^۵، ۲۰۰۷ الف). شبکه‌های اجتماعی قادرند به‌شیوه‌ای مسئولانه نیازهای افراد را برطرف کنند، اما کمک‌های سازمان‌های رسمی معمولاً با توجه به اینکه آنان اطلاع دقیقی از میزان نیازها ندارند چندان هدفمند نیست (هال^۶، ۲۰۰۸). در هر صورت، هماهنگی میان سازمان‌های رسمی خود شهروندان در کمک‌رسانی تأثیر زیادی بر کارآمدی کمک‌ها دارد (بورن و همکاران، ۲۰۱۱).

در برخی موارد، بخش بزرگی از فاجعه طبیعی نیست؛ یعنی رخدادی طبیعی به وقوع می‌پیوندد، اما رخدادهای خسارت‌بار پس از آن ممکن است به کاستی‌های اجتماعی و اقتصادی

۱. Ozerdem
۲. Jacoby
۳. Born
۴. Brennan
۵. Flint
۶. Hall

مربوط باشد (کاتر^۱ و همکاران، ۲۰۰۳؛ بندیکت^۲، ۲۰۰۶؛ هارتمان^۳ و اسکویرز^۴، ۲۰۰۶؛ پارک^۵ و میلر^۶، ۲۰۰۶). این موضوع مهم است که چگونه جامعه از منابع محدود باقی‌مانده برای بازسازی تمام اجزای خود استفاده می‌کند. آنچه معمولاً در فجایع طبیعی بیشتر به کار مردم می‌آید همین شبکه‌های اجتماعی است. افرادی که بخش بزرگی از شبکه اجتماعی‌شان نابود شده است معمولاً آسیب بسیار بیشتری نسبت به کسانی می‌بینند که فاجعه دارایی فیزیکی آنها را نابود کرده، اما شبکه اجتماعی‌شان را از بین نبرده است (هاوکینز^۷ و ماورر^۸، ۲۰۱۰). به همین جهت است که برخی مؤلفان یکی از راه‌های کاهش خسارت بلایای طبیعی را در ظرفیت‌سازی اجتماعی دسته‌اند (برنان و فلینت، ۲۰۰۷ ب). آنچه بعد از فاجعه طبیعی رخ می‌دهد خود می‌تواند فاجعه‌ای دیگر باشد (برنان و فلینت، ۲۰۰۷ ب). بعد از وقوع حادثه طبیعی، زمینه‌های اجتماعی‌اند که تعیین می‌کنند میزان خسارت چقدر خواهد بود (گیل^۹، ۲۰۰۷).

روش پژوهش

داده‌های این پژوهش را مؤلفان با روش پیمایش جمع‌آوری کرده‌اند. پرسش‌نامه‌ها در محل زلزله و مدت کوتاهی پس از واقعه، به دست محققان باتجربه تکمیل شده‌اند. جامعه آماری تمام خانوارهای ساکن در روستاهای زلزله‌زده بم بوده‌اند. این روستاها شامل کرک، چهل تخم، خواجه‌سگر، سفیکان، خواجه‌نظام، پاکم، بیدران، سرجنگل، درباغ، هرازان، بیدران نو، پشت‌رود، نارتیج، اسلام‌آباد، تمیک، امیرآباد و زیدآباد است که در مجموع ۱۰۳۳۵ نفر را در قالب ۱۹۵۰ خانوار جای داده‌اند. در بررسی روستاها، حجم نمونه بر تعداد روستاها منطبق است و در بررسی خانوارهای ساکن در روستاها، حجم نمونه با پذیرش $D=0.04$ و حداکثر واریانس پی‌کیو $=0.25$ و $T=1/96$ معادل ۳۰۵ واحد نمونه‌ای برآورد شده است. انتخاب نمونه‌ها به شیوه تصادفی نظام‌مند و با هفت شماره فاصله بوده است. پس از انتخاب تصادفی یک شماره از روی جدول اعداد تصادفی به‌منزله اولین واحد نمونه انتخابی، انتخاب‌های بعدی تا ۳۰۵ نفر با اضافه کردن پی‌درپی عدد ۷ به کد آخرین انتخاب صورت گرفت. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسش‌نامه‌ای بوده است که سرپرستان خانوارهای زلزله‌زده در روستاهای

۱. Cutter
۲. Benedict
۳. Hartman
۴. Squires
۵. Park
۶. Miller
۷. Hawkins
۸. Maurer
۹. Gill

اطراف بم تکمیل کرده‌اند. به‌منظور حصول اطمینان از روایی پرسش‌نامه، گروه محققان ضمن بازدید از منطقه، از ۳۲ خانوار زلزله‌زده مصاحبه اکتشافی به‌عمل آوردند و پس از استخراج داده‌ها و بررسی نتایج و ارزیابی نقاط قوت و ضعف پرسش‌نامه، نواقص و نارسایی‌های مربوط به برخی از بخش‌ها و پرسش‌ها برطرف شد.

یافته‌های پژوهش

کمک‌رسانی به بازماندگان

اولین نکته‌ای که در تحقیق در کانون توجه قرار گرفت، آسیب‌دیدگی خود پاسخگو و نزدیکان او بر اثر زلزله بود. نیمی از پاسخگویان آسیب ندیده بودند و اعضای خانواده و خویشاوندان آنان نیز سالم مانده بودند، اما در میان دیگران، بیشترین آسیب‌دیدگی مربوط به خود پاسخگو و همسر و فرزندان و بعد از آن، خواهر یا برادر بوده است (جدول ۱). این یافته تصویر روشنی از میزان آسیب‌دیدگی در میان پاسخگویان ارائه می‌کند.

جدول ۱. آسیب‌دیدگی اعضای فامیل

درصد	فراوانی	آسیب‌دیدگان خانواده‌ها
۵۰	۱۵۲	هیچ‌کدام
۱۶	۴۸	خودم
۱۰	۳۱	همسر
۱۸	۵۴	فرزندم
۰	۱	مادر بزرگ و یا عمه
۹	۲۶	والدین
۱۳	۴۰	خواهر و یا برادر
۱	۴	نوه‌ها
۱	۲	عروس و یا داماد

بعد از وقوع زلزله، بسیاری از افراد آسیب می‌بینند. اولین گام این است که ملاحظه شود هر کدام از پاسخگویان بعد از وقوع زلزله در چه وضعیتی بوده‌اند و چه عملی انجام داده‌اند.

جدول ۲. فراوانی مطلق و نسبی نوع فعالیت پس از زلزله

درصد	فراوانی	اولین عمل پاسخگو بعد از زلزله	
۸۳/۷	۴۱	زیر آوار بودم	ناتوان از یاری (۱۷٪) از کل پاسخگویان)
۶/۱	۳	مجروح بودم	
۱۰/۲	۵	به بیمارستان مراجعه کردم	توانا برای یاری (۸۳٪) از
۲۹/۷	۷۰	در محل حادثه ماندم	

درصد	فراوانی	اولین عمل پاسخگو بعد از زلزله	کل پاسخگویان)
۱۸/۶	۴۴	به‌دنبال اعضای خانواده‌ام گشتم	
۲۶/۷	۶۳	به‌دنبال خویشاوندان گشتم	
۱۶/۰	۳۸	به‌دنبال همسایه‌ها گشتم	
۸/۰	۲۱	در بیرون آوردن اجساد کمک کردم	

اقدام به کمک‌رسانی چند دقیقه دقیقه بعد از وقوع زلزله از مهم‌ترین و اثرگذارترین فعالیت‌های مدنی مردم محلی است. جدول ۲ نشان می‌دهد که از مجموع ۲۸۵ نفر پاسخگو، ۸۳ درصد توانایی کمک به دیگران را داشته‌اند و بقیه خود آسیب‌دیده یا زیر آوار و نیازمند کمک بوده‌اند. از میان کسانی که توانایی کمک به دیگران داشته‌اند، ۷۰/۳ درصد به یاری دیگران شتافته‌اند که ۶۲/۳ درصد از کمک‌ها به آشنایان نزدیک، اعضای خانواده، خویشاوندان و همسایه‌ها اختصاص یافته است. ملاحظه می‌شود معیار کمک‌رسانی داشتن روابط عاطفی (اعضای خانواده و خویشاوندان) به‌همراه نزدیکی مکانی بوده است.

این موضوع را می‌توان به‌شکلی روشن‌تر در جدول ۳ ملاحظه کرد. هنگامی که از افراد پرسیده شد اولین کسی که بعد از زلزله به‌سراغ او رفته‌اید چه کسی بوده است، پاسخ ۸۸/۸ درصد افراد، اعضای خانواده یا خویشاوندان یا همسایگان بوده است. علت این انتخاب، از نگاه خود پاسخگو، بیش‌از‌همه، خویشاوند نزدیک بودن (۷۴/۷ درصد)، یا نزدیک بودن مکان (۲۲/۵ درصد) ذکر شده است.

جدول ۳. اولین شخصی که پاسخگو پس از زلزله به سراغ او رفته و علت مراجعه

درصد	فراوانی	علت مراجعه	درصد	فراوانی	شخص
۷۴/۷	۱۸۶	چون خویشاوند نزدیک من بود	۱۱/۲	۳۳	هیچ‌کس
۲۲/۵	۵۶	چون راهش نزدیک‌تر بود	۲۲/۷	۶۷	خانواده
۲/۸	۷	چون خانه‌شان قدیمی بود	۴۹/۸	۱۴۷	خویشاوندان
			۱۶/۳	۴۸	همسایگان

جدول ۴ نیز نشان می‌دهد، طبق اظهار ۷۴/۷ درصد از پاسخگویان، اولین کسی که به‌سراغ آنها آمده است عضو خانواده یا خویشاوند یا همسایه بوده است؛ یعنی بیشتر پاسخگویان اعلام کرده‌اند که به‌سراغ یکی از افراد شبکه خویشاوندی یا همسایگی رفته‌اند (جدول ۲) و بیشتر کسانی هم که پس از واقعه به‌سراغ خود پاسخگویان رفته‌اند، از اعضای شبکه خویشاوندی یا همسایگی بوده‌اند (جدول ۳). این موضوع نشان‌دهنده متقابل بودن اقدام امدادگرانه است که از تعهد اجتماعی متقابل در میان اعضای این شبکه حکایت دارد. این یافته مؤید این نکته است که روابط گرم و عاطفی متقابل اولین محرک فرهنگی برای کمک‌رسانی بعد از وقوع فاجعه

است. ۶۱ درصد افراد گفته‌اند دیگران در همان لحظه وقوع زلزله به سراغشان آمدند و ۱۵ درصد گفته‌اند که هنگام مراجعه دیگران برای کمک، ۵ یا ۱۰ دقیقه از وقوع زلزله گذشته بود. بقیه نیز این زمان را حداکثر یک ساعت پس از وقوع زلزله اعلام کرده‌اند. این سرعت در کمک‌رسانی جلوه‌ای دیگر از تعهد متقابل اعضای شبکه خویشاوندی و همسایگی روستایی در فعالیت‌های امدادگرانه ضروری به هنگام بحران است.

جدول ۴. اولین شخصی که به سراغ پاسخگو آمده و زمان مراجعه

درصد	فراوانی	زمان مراجعه	درصد	فراوانی	شخص
۶۰/۹	۱۲۳	همان لحظه	۲۳/۸	۶۶	هیچ‌کس
۱۴/۹	۳۰	پنج تا ده دقیقه بعد	۱/۴	۴	خودم به دنبال دیگران رفتم
۸/۴	۱۷	پانزده تا بیست دقیقه بعد	۹/۴	۲۶	اعضای خانواده
۱۲/۴	۲۵	نیم ساعت بعد	۴۲/۶	۱۱۸	خویشاوندان
۳/۵	۷	یک ساعت بعد	۲۲/۷	۶۳	همسایگان
۱۰۰	۲۰۲	جمع	۱۰۰	۲۷۷	جمع

بخش دیگری از کمک‌رسانی به دریافت کمک‌های ضروری و نیز هم‌دردی از سوی کسانی مربوط است که در مناطق آسیب‌ندید زنده می‌مانند. آسیب‌دیدگان این نوع یاری را در زمان طولانی‌تری بعد از فاجعه دریافت می‌کنند. اشخاصی که کسانی را بیرون از مناطق آسیب‌دیده می‌شناسند، شبکه اجتماعی‌ای دارند که دست‌کم تنوع مکانی دارد و این خود سرمایه اجتماعی دیگری برای اعضای چنین شبکه‌هایی است؛ چراکه این شبکه‌ها آسیب‌پذیری کمتری در مقابل فجایع طبیعی دارند. ۵۵/۴ درصد پاسخگویان گفته‌اند از بیرون منطقه آسیب‌دیده کمک و هم‌دردی دریافت کرده‌اند و ۳۳ درصد از افراد هم چنین کمکی دریافت نکرده‌اند. فقط ۵/۶ درصد پاسخگویان گفته‌اند آشنایی در بیرون از مناطق آسیب‌دیده ندارند (جدول ۵). مجموع یافته‌های جدول‌های ۲ تا ۵ نشان می‌دهد که مهم‌ترین شبکه اجتماعی روستایی که در بحران زلزله فعال بوده شبکه اجتماعی خویشاوندی و پس از آن شبکه اجتماعی همسایگی است.

جدول ۵. فراوانی مطلق و نسبی دریافت کمک و هم‌دردی از افراد مناطق آسیب‌دیده

درصد	فراوانی	دریافت کمک و هم‌دردی
۵۵/۴	۱۶۸	بله
۳۳	۱۰۰	خیر
۵/۶	۱۷	آشنایی نداریم
۱۰۰	۲۸۵	جمع

حیاتی‌ترین ماده در مناطق فاجعه‌زده نان است. نزدیک ۹۳ درصد پاسخگویان گفته‌اند که هرچه نان برایشان باقی مانده بود بین خود و همسایه‌ها و فامیل تقسیم کردند. نزدیک دو برابر میزان کسانی که نانی برای تقسیم کردن نداشته‌اند، از خویشاوندان نان دریافت کرده‌اند. این تصویر به‌خوبی نشان می‌دهد که قبل از حضور مؤثر نیروهای امدادی، لایه فرهنگی و اجتماعی جامعه به‌خوبی مواد غذایی تقسیم کرده است تا آسیب‌های بعد از زلزله را کاهش دهد.

جدول ۶. فراوانی باقی‌مانده نان برای فرد و دیگران بعد از زلزله

خود پاسخگویان	فراوانی	درصد	دیگران	فراوانی	درصد
کم بود و خانواده مصرف کردند	۱۲	۷/۱	خویشاوندان برای خانوار نان آوردند	۶۷	۲۲/۱
همان قدر که بود بین همسایه و فامیل تقسیم کردیم	۱۵۸	۹۲/۹	برای خانوار نان باقی مانده بود	۱۰۲	۳۳/۷
			برای همسایگان نان باقی مانده بود	۵۳	۱۷/۵
			برای خویشاوندان نان باقی مانده بود	۹۲	۳۰/۴

از باهم‌نگری یافته‌های مزبور، می‌توان پی برد که حدود یک‌سوم خانواده‌ها پس از زلزله مقدار کمی آذوقه داشته‌اند که اکثر قریب به تمام آنها آنچه را داشته‌اند با دیگران تقسیم کرده‌اند. می‌توان حدس زد که اگر میزان آذوقه باقی‌مانده پس از زلزله برای آنها به حدی بود که کفاف معاش همه اهالی را در مدت سه‌روز می‌داد، کارآیی شبکه اجتماعی خویشاوندی و همسایگی روستایی در تأمین آذوقه زلزله‌زدگان روستایی صددرصد می‌شد.

خوشه‌بندی کمک‌رسانان

در این بخش، ابتدا پاسخگویان را با توجه به نوع کالاهایی که برای آنان باقی مانده، به دو دسته «کم آسیب‌دیده» و «بسیار آسیب‌دیده» تقسیم می‌کنیم. این کار با استفاده از تکنیک تحلیل خوشه‌بندی دومرحله‌ای انجام شده است. نتایج این تحلیل در جدول ۷ آمده است. در این جدول، می‌توان فراوانی‌ها و درصد کالاهای باقی‌مانده برای هر دو خوشه را دید.

جدول ۷. تحلیل خوشه‌ای مربوط به کالاهایی که برای خود پاسخگو باقی مانده

کالا	پاسخ	تعداد		پاسخ	کالا	ترکیب	خوشه	
		درصد	تعداد				۱	۲

کالا	پاسخ	تعداد	خوشه		کالا	پاسخ	تعداد	خوشه		کالا	ترکیب
			درصد	۱				۲	درصد		
تعداد	تعداد	درصد	۱	۲	پتو	بلی	تعداد	۱۸۹	۱۱۴	پتو	ترکیب
			۳	۸۶				۱۸۹	۱۱۴		
درصد	درصد	درصد	۳/۴	۹۶/۶	پتو	بلی	درصد	۶۲/۴	۳۷/۶	پتو	ترکیب
			۲۱۴	۲۸				۱۸۶	۱۰۰		
نان	بلی	تعداد	۸/۸	۱۳/۱	پتو	خیر	درصد	۸/۸	۹۱/۲	پتو	ترکیب
			۱۰۰	۸۶/۹				۱۰۰	۹۱/۲		
نان	خیر	تعداد	۱۸۰	۷۰	فرشینه یا فرش	بلی	تعداد	۲۰۱	۲۱	فرشینه یا فرش	ترکیب
			درصد	۰				درصد	۱۰۰		
دستشویی	بلی	تعداد	۳	۴۴	فرش	خیر	تعداد	۶۸	۷۱	فرش	ترکیب
			درصد	۸۱/۱				درصد	۱۰۰		
دستشویی	خیر	تعداد	۱۸۶	۵۰	حمام	بلی	تعداد	۴۶	۲۳۲	حمام	ترکیب
			درصد	۰				درصد	۱۰۰		
دستشویی	بلی	تعداد	۰	۶۴	حمام	خیر	تعداد	۷۹	۷۹	حمام	ترکیب
			درصد	۷۴/۷				درصد	۱۰۰		
نفت	خیر	تعداد	۱۸۹	۸۱	خرما	بلی	تعداد	۳۵	۲۲۴	خرما	ترکیب
			درصد	۰				درصد	۱۰۰		
نفت	بلی	تعداد	۰	۳۳	خرما	خیر	تعداد	۷۱	۷۱	خرما	ترکیب
			درصد	۸۵/۱				درصد	۱۰۰		
ظرف	خیر	تعداد	۱۸۹	۲۲۲	ظرف	بلی	تعداد	۴۳	۲۳۲	ظرف	ترکیب
			درصد	۸۱/۵				درصد	۱۰۰		

در خوشه اول، ۱۸۹ نفر از پاسخگویان (۶۲/۴ درصد) و در خوشه دوم ۱۱۴ نفر از آنها (۳۷/۶ درصد) قرار گرفتند. در خوشه اول کسانی قرار گرفتند که بعد از زلزله کالاهای کمی برایشان باقی مانده و در دسته دوم کسانی جای گرفته‌اند که بعد از زلزله، کالاهای بیشتری برایشان باقی مانده است؛ برای مثال، ۸۹/۶ درصد از کسانی که بعد از زلزله نان نداشته‌اند در خوشه اول و ۱۰/۴ درصد آنها در خوشه دوم قرار گرفته‌اند. همچنین، ۸۴/۴ درصد کسانی که بعد از زلزله نفت نداشته‌اند در خوشه اول و ۱۵/۶ درصد آنها در خوشه دوم بوده‌اند. بنابراین، ما خوشه اول را بسیار آسیب‌دیدگان و خوشه دوم را کم‌آسیب‌دیدگان می‌نامیم.

در گام دوم، پاسخگویان با توجه به کالاهایی که خویشاوندان برایشان آورده‌اند خوشه‌بندی شده‌اند. همان‌طور که در جدول ۷ ملاحظه می‌شود، تحلیل خوشه‌ای دو خوشه را از هم متمایز کرده است. خوشه اول دربردارنده ۲۱۷ نفر از پاسخگویان (۷۱/۶ درصد) و خوشه دوم شامل ۸۶ نفر از پاسخگویان (۲۸/۴ درصد) است. خوشه اول کسانی هستند که خویشاوندان کمک‌های

اندکی به آنها کرده‌اند و دسته دوم کسانی را در بر می‌گیرد که از خویشاوندان کمک‌های نسبتاً بیشتری دریافت کرده‌اند؛ برای مثال، هیچ‌یک از کسانی که از خویشاوندان خود پتو دریافت کرده‌اند، در خوشه اول قرار ندارند و همه آنها در خوشه دوم جای گرفته‌اند. همچنین، هیچ‌کدام از کسانی که از خویشاوندان خود نان دریافت کرده‌اند در خوشه دوم قرار ندارند و همه آنها (۶۷ نفر) در خوشه اول جای گرفته‌اند؛ بنابراین، خوشه اول خویشاوندان بسیاری‌کننده و خوشه دوم خویشاوندان کم‌یاری‌کننده داشته‌اند.

جدول ۸. تحلیل خوشه‌ای مربوط به کالاهایی که خویشاوندان برای پاسخگو آوردند

کالا	پاسخ	تعداد		پاسخ	کالا	ترکیب	خوشه		تعداد	پاسخ	کالا
		درصد	تعداد				۱	۲			
تعداد	تعداد	۰	۳۸	بلی	کنسرو ماهی	۳۰۳	۸۶	۲۱۷	تعداد	تعداد	تعداد
		۰	۱۰۰			۱۰۰	۲۸/۴	۷۱/۶			
پتو	بلی	۰	۲۶۵	خیر	کنسرو ماهی	۲۷	۲۷	۰	تعداد	بلی	پتو
		۰	۱۰۰			۱۰۰	۱۰۰	۰	درصد		
خیر	بلی	۰	۲۴	بلی	سایر کنسروها	۲۷۶	۵۹	۲۱۷	تعداد	خیر	مواد شوینده
		۰	۱۰۰			۱۰۰	۲۱/۴	۷۸/۶	درصد		
بلی	تعداد	۰	۲۷۹	خیر	سایر کنسروها	۶	۶	۰	تعداد	بلی	مواد شوینده
		۰	۱۰۰			۱۰۰	۱۰۰	۰	درصد		
خیر	بلی	۰	۹	بلی	گرم	۲۹۷	۸۰	۲۱۷	تعداد	خیر	مواد شوینده
		۰	۱۰۰			۱۰۰	۲۶/۹	۷۳/۱	درصد		
بلی	تعداد	۰	۲۹۴	خیر	گرم	۲	۱	۱	تعداد	بلی	سوخت
		۰	۱۰۰			۱۰۰	۵۰	۵۰	درصد		
خیر	بلی	۰	۹	بلی	گرم	۳۰۱	۸۵	۲۱۶	تعداد	خیر	سوخت
		۰	۱۰۰			۱۰۰	۲۸/۲	۷۱/۸	درصد		
بلی	تعداد	۰	۲۹۴	خیر	پارچه	۰	۱	۱	تعداد	بلی	آذوقه
		۰	۱۰۰			۱۰۰	۰	۱۰۰	درصد		
خیر	تعداد	۰	۸۶	خیر	پارچه	۸۶	۸۶	۰	تعداد	خیر	آذوقه
		۰	۱۰۰			۱۰۰	۲۸/۵	۲۸/۵	درصد		
بلی	تعداد	۰	۶۷	بلی	نان	۶۷	۶۷	۰	تعداد	بلی	نان
		۰	۱۰۰			۱۰۰	۰	۰	درصد		
خیر	تعداد	۰	۳۲۶	خیر	نان	۱۹	۲۱۷	۲۱۷	تعداد	خیر	نان
		۰	۱۰۰			۱۰۰	۹۱/۹	۹۱/۹	درصد		

حال، به بررسی رابطه میان میزان آسیب‌دیدگی پاسخگو و میزان کمک‌رسانی خویشاوندان می‌پردازیم (جدول ۹). بررسی این دو متغیر در یک جدول نشان می‌دهد که ۱۴۲ نفر (۷۵/۱ درصد) از پاسخگويانی که آسیب زیادی دیده‌اند، از خویشاوندان خود کمک اندک و ۴۷ نفر (۲۴/۹ درصد) از آنان هم از خویشاوندان خود یاری بسیار دریافت کرده‌اند. همچنین، ۷۵ نفر (۶۵/۸ درصد) از پاسخگويانی که آسیب اندکی دیده‌اند از خویشاوندان خود کمک اندک و ۳۹ نفر (۳۴/۲ درصد) از آنان هم از خویشاوندان خود یاری بسیار دریافت کرده‌اند. میزان آماره فی برای این جدول ۰/۱۰ و مقدار معنی‌داری ۰/۰۸۱ به‌دست آمده است؛ این به آن معناست که تفاوت‌های مشاهده‌شده در این جدول در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار نیستند؛ بنابراین، می‌توان گفت میزان دریافت کمک از جانب خویشاوندان ارتباطی با میزان آسیب‌دیدگی پاسخگو نداشته و خویشاوندان هر کدام در حد توان خود به یاری افراد شتافته‌اند.

جدول ۹. جدول توافقی میزان آسیب‌دیدگی پاسخگويان و میزان یاری خویشاوندان

میزان آسیب‌دیدگی	خویشاوندان کم‌یاری‌کننده	خویشاوندان بسیار یاری‌کننده	کل
بسیار آسیب‌دیده	۱۴۲	۴۷	۱۸۹
درصد سطری	۷۵/۱	۲۴/۹	۱۰۰
کم‌آسیب‌دیده	۷۵	۳۹	۱۱۴
درصد سطری	۶۵/۸	۳۴/۲	۱۰۰
کل	۲۱۷	۸۶	۳۰۳
درصد سطری	۷۱/۶	۲۸/۴	۱۰۰

بحث و نتیجه‌گیری

زلزله در ابتدا امکانات فیزیکی را تخریب می‌کند. این اختلال نحوه زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اما برای مواجهه با آن هنجارهای معینی وجود دارد: استفاده موقت از مسکن دیگران، البته اگر باقی مانده باشد، یا جست‌وجوی سرپناه در بقایای مسکن آسیب‌دیده و ایجاد سرپناه موقت با چادر. امدادگران نیز به این نکته و فراگیر بودن و نخستین بودن آن در جریان اختلال‌های ناشی از زلزله واقف‌اند و به همین دلیل معمولاً اولین اقدام هلال‌احمر ارسال و توزیع چادر در مناطق زلزله‌زده است. البته، ساخت مسکن هم در هنجارهای آسیب‌دیدگان وجود دارد، ولی زمان‌بر و نیازمند امکانات و مصالح ساختمانی است.

زلزله ممکن است به تعدادی از افراد به‌طور محدود یا کامل صدمه بزند. این اختلال را باید به چند حالت تفکیک کرد: ۱. فوت تعدادی از افراد روستا؛ جامعه همیشه برخی از اعضای خود را از دست می‌دهد و هنجارهای جامعه برای فوت، دستورالعمل‌های مشخصی دارد. ۲. فوت تمام اعضای یک خانواده؛ این امر به‌لحاظ عاطفی و برای مدتی بر خویشاوندان اثر می‌گذارد، اما در درازمدت تأثیر آن مانند مهاجرت کامل یک خانواده است. درباره خسارت‌های زلزله می‌توان گفت:

- اگر زلزله سبب تخریب منازل، تأسیسات و فوت افراد نشود و خسارت و آسیبی ایجاد نکند، تأثیری بر سازمان اجتماعی روستا نمی‌گذارد، گویی زلزله‌ای رخ نداده است.
- اگر زلزله سبب تخریب منازل و تأسیسات شود ولی موجب فوت افراد نشود، خسارت و آسیب فیزیکی ایجاد می‌کند و تأثیرش بر سازمان اجتماعی روستا در حد تغییر محدود در لایه ریخت‌شناختی است.
- اجتماع آسیب‌دیده دارای فرهنگ و روش‌های فکری، عاطفی و رفتاری است که در آداب اجتماعی و در شخصیت افراد ذخیره شده است.
- اجتماعی که سرپناه خود را از دست داده است، تصمیم می‌گیرد آن را جایگزین کند که ممکن است موقت یا دائمی باشد.

• چون ساخت سرپناه با توجه به فرهنگ رایج، کاری زمان‌بر و نیازمند به اندوخته اقتصادی است، جایگزینی فوری میسر نیست، اما نیاز به محل استقرار خانواده و دفع سرما و گرما و... نیازی فوری است. از بقایای کالاهای باقی‌مانده برای ایجاد محل استقرار موقت استفاده می‌شود. در قسمتی از خانه قبلی که کمتر آسیب‌دیده است، یا در حیاط منزل قبلی، یا در نزدیکی آن در یک فضای عمومی مانند کوچه یا کنار خیابان، وسائل فیزیکی باقی‌مانده جمع‌آوری می‌شود و در کنار یا میان آن با استفاده از فرش و پرده و پارچه و... سرپناه موقت ایجاد می‌شود.

به این نحو، اجتماع آسیب‌دیده، که ظرفیت مواجهه با اختلال یادشده را دارد و برای ایجاد سرپناه دائمی در کوتاه‌مدت معمولاً با کمبود امکانات روبه‌رو است، اگر به حال خود نهاده شود ممکن است مانند یک خانوار فقیر یا آواره عمل کند که یک گزینه پیش‌رویش مهاجرت است. در اجتماع روستایی زلزله‌زده‌ای که فقط دچار خسارت‌های مادی شده است، پس از ایجاد سرپناه موقت، مهم‌ترین عامل امیدبخش و عادی‌کننده زندگی اجتماعی، امکان فعالیت‌های تولیدی است که قبل از زلزله رایج بوده است. اگر امکان فعالیت اقتصادی مرسوم محلی باقی باشد و اختلالات به‌سرعت ترمیم شود، احساس آوارگی و وابستگی به وجود نمی‌آید و میل به مهاجرت تشدید نمی‌شود.

در اجتماع روستایی زلزله‌زده‌ای که فقط خسارت مادی دیده است، پس از ایجاد سرپناه موقت و با وجود امکان فعالیت‌های تولیدی قبل از زلزله، اگر زلزله سبب تخریب منازل شده باشد، چون ساخت سرپناه با توجه به فرهنگ رایج کاری زمان‌بر و نیازمند اندوخته اقتصادی است، جایگزینی فوری میسر نیست؛ بنابراین، درصد درخور توجهی از خانوارها به تدریج اقدام به ساخت سرپناه می‌کنند و دست‌کم با گل و چوب خانه می‌سازند، اما احتمال تغییر اندکی در محل استقرار جدید خانه‌ها نیز وجود دارد. از سوی دیگر، اگر هراس از زلزله دوباره باشد یا در آموزش‌های فرهنگی آنان خانه گلی پذیرفتنی نباشد یا با منزلت اجتماعی خانواده ناسازگار باشد، احتمال مهاجرت برخی خانواده‌ها وجود دارد و خانواده‌هایی که قبلاً به مهاجرت اندیشیده‌اند، به احتمال زیاد، تصمیم خود را عملی می‌کنند.

ساخت مسکن مقاوم و -به‌طور طبیعی- جدید، توسط سازمان‌های عمومی، در صورت وجود امکان فعالیت‌های تولیدی قبل از زلزله، احتمال مهاجرت خانواده‌ها را کاهش می‌دهد و تنها عامل مؤثر بر مهاجرت، عوامل عاطفی در روستاهایی است که صدمه انسانی دیده‌اند.

بررسی واکنش اجتماع روستایی، هنگامی که بر اثر زلزله، با مصدوم و زخمی شدن یا زیر آوار ماندن یا فوت اعضا روبه‌رو شود، کاری ضروری است. اجتماع روستایی در حالت عادی نیز با این‌گونه پدیده‌ها در مقیاس کوچک‌تر روبه‌رو شده است، بنابراین برای مواجهه با آن‌ها هنجارهای معینی دارد که به هنگام صدمه‌های انسانی و مرگ ناشی از زلزله، همان‌ها را به کار می‌بندد. شبکه اجتماعی خویشاوندی و همسایگی در این امر فعال می‌شوند و طبق آداب رایج خود با آسیب‌دیدگان و خانواده فوت‌شدگان رفتار می‌کنند. مهم‌ترین شبکه اجتماعی در اجتماعات کوچک مانند روستاها، شبکه اجتماعی خویشاوندی است.

منابع

- بیان‌زاده، سید اکبر و همکاران (۱۳۸۳) «وضعیت زندگی بازماندگان زلزله بم»، *رفاه اجتماعی*، شماره ۱۳: ۱۱۳-۱۳۲.
- رحیمی موقر، آفرین و همکاران (۱۳۸۲) «نگرش وابستگان به مواد آفیونی و خانواده‌های آنان در مورد تأثیر اعتیاد بر صدمات ناشی از زلزله بم»، *تازه‌های علوم شناختی*، شماره ۵: ۴۰-۴۶.
- صیرفی‌پور، شیوا و همکاران (۱۳۸۳) «نارسایی حاد کلیه در آسیب‌دیدگان زلزله بم»، *مجله دانشکده پزشکی اصفهان*، شماره ۲۲: ۱-۶.
- کرمی، غلامرضا و همکاران (۱۳۸۶) «بررسی عوارض روان‌شناختی بازماندگان زلزله بم»، *مجله علوم رفتاری*، شماره ۲۷: ۱-۳۲.
- مندراس، هانری (۱۳۶۹) *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه باقر پرهام. تهران: امیرکبیر.

- Berke, P. R., R. Chuenpagdee, K. Juntarashote, and S. Chang. (۲۰۰۸) "Human-ecological dimensions of disaster resiliency in Thailand: social capital and aid delivery." *Journal of Environmental Planning and Management* ۵۱:۳۰۳-۳۱۷.
- Bersch, C. (۲۰۱۰) "Disasters :where they find us." *Clinical Chemistry and Laboratory Medicine* ۴۸:۵۹۹-۶۰۲.
- Born, C. T., T. R. Cullison, J. A. Dean, R. A. Hayda, N. McSwain, L. M. Riddles, and A. J. Shimkus. (۲۰۱۱) "Partnered Disaster Preparedness: Lessons Learned From International Events." *Journal of the American Academy of Orthopaedic Surgeons* ۱۹:S۴۴-S۴۸.
- Brennan, M. A. and C. G. Flint. (۲۰۰۷a) "Special Issue: Rural communities and disasters." *Southern Rural Sociology* ۲۲:۱-۱۲۶.
- Brennan, M. A. and C. G. Flint. (۲۰۰۷b) "Uncovering the hidden dimensions of rural disaster mitigation: capacity building through community emergency response teams." *Southern Rural Sociology* ۲۲:۱۱۱-۱۲۶.
- Benedict, L. F. (۲۰۰۶) "The Great Deluge: Hurricane Katrina, New Orleans, and the Mississippi Gulf Coast". *Journal of Applied Communications*, ۹۰(۱), ۸. New York, Harper Collins.
- Cutter, S., Boruff, B. and Shirley, W. L. (۲۰۰۳) "Social vulnerability to environmental hazards", *Social Science Quarterly*, ۸۴(۲), pp. ۲۴۲-۶۱.
- Durkheim, Emile. (۱۹۸۲) *The Rules of Sociological Method*. Translated by S. Lukes: Free Press.
- Fischer, Henry W. (۱۹۹۸) *Response to disaster :fact versus fiction & its perpetuation : the sociology of disaster*. Lanham, Maryland: University Press of America.
- Forgette, R., B. Dettrey, M. Van Boening, and D. Swanson. (۲۰۰۹) "Before, Now, and After: Assessing Hurricane Katrina Relief." *Population Research and Policy Review* ۲۸:۳۱-۴۴.
- Gill, D. A. (۲۰۰۷) "Secondary trauma or secondary disaster? insights from hurricane katrina." *Sociological Spectrum* ۲۷:۶۱۳-۶۳۲.
- Hall, R. A. (۲۰۰۸) "Civil-military cooperation in international disaster response: the Japanese Self-Defense Forces' deployment in Aceh, Indonesia." *Korean Journal of Defense Analysis* ۲۰:۳۸۳-۴۰۰.
- Hartman, C. and Squires, G. (۲۰۰۶) *There Is No Such Thing as a Natural Disaster: Race, Class and Katrina*, New York, Routledge.
- Haug, G. H., D. Gunther, L. C. Peterson, D. M. Sigman, K. A. Huguen, and B. Aeschlimann. (۲۰۰۳) "Climate and the collapse of Maya civilization." *Science* ۲. ۱۱۳۵-۹۹:۱۱۳۱

- Hawkins, R. L. and K. Maurer. (۲۰۱۰) "Bonding, Bridging and Linking: How Social Capital Operated in New Orleans following Hurricane Katrina." *British Journal of Social Work* ۴۰:۱۷۷۷-۱۷۹۳.
- Hodell, D. A., J. H. Curtis, and M. Brenner. (۱۹۹۵) "Possible Role of Climate in the Collapse of Classic Maya Civilization." *Nature* ۳۷۵:۳۹۱-۳۹۴.
- Jobe, K. (۲۰۱۱) "Disaster relief in post-earthquake Haiti: Unintended consequences of humanitarian volunteerism." *Travel Medicine and Infectious Disease* ۹:۱-۵.
- Miller, L. M. (۲۰۰۷) "Collective disaster responses to Katrina and Rita: exploring therapeutic community, social capital and social control." *Southern Rural Sociology* ۲۲:۴۵-۶۳.
- Ozerdem, A. and T. Jacoby. (۲۰۰۶) "Disaster management and civil society: earthquake relief in Japan, Turkey and India." *Disaster management and civil society: earthquake relief in Japan, Turkey and India*:xiv + ۱۴۲ pp.
- Park, Y. and Miller, J. (۲۰۰۶) "The social ecology of Hurricane Katrina: Rewriting the discourse of "natural disasters"', *Smith College Studies in Social Work*, ۷۶(۳).
- Peterson, L. C. and G. H. Haug. (۲۰۰۵) "Climate and the collapse of Maya civilization." *American Scientist* ۹۳:۳۲۲-۳۲۹. pp. ۹-۲۴.
- Tierney, K. J. (۲۰۰۷) "From the margins to the mainstream? Disaster research at the crossroads." *Annual Review of Sociology* ۳۳:۵۰۳-۵۲۵.
- Tootle, D. M. (۲۰۰۷) "Disaster recovery in rural communities: a case study of Southwest Louisiana." *Southern Rural Sociology* ۶: ۲-۲۷.
- Valencio, N. (۲۰۱۰) "Disasters, Social Order and Civil Defense Planning: the Brazilian context." *Saude E Sociedade* ۱۹:۷۴۸-۷۶۲.
- Vervaeck, Armand and James Daniell. (۲۰۱۱) "CATDAT estimated loss after Japan tsunami." vol. ۲۰۱۱.
- Wolbring, G. (۲۰۱۱) "Disability, Displacement and Public Health: A Vision for Haiti." *Canadian Journal of Public Health-Revue Canadienne De Sante Publique* ۱۰۲:۱۵۷-۱۵۹.